

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده
شهر - اسن - المان

پسته خندان

کاسته پُر پسته نوا میکند

پسته دهن باز وفا میکند

بسکه صفت کردم ازان پسته ها

کرم ، ازان پسته صدا میکند

لیک نگر بختِ بَدَم ، دَمَبَدَم

پسته خندان چه جفا میکند

پسته خندان که بخندد اگر

آنچه ورا است ، نما میکند

مغزکِ خوشمزه ، و یا بی نمک

تلخک و یا کرم عطا میکند

پیرِ مغان ، دوش به خوابم بگفت

پندِ مرا گوش ، چها میکند

(هر چه بگردد نمکش می زنند)

کِی نمکِ گنده دوا میکند

حال نگر پسته خندانِ ما

به ، چقدر شرم و حیا میکند

آنچه که گفته ز دبا و وبا
اُجرتِ ما است ، سخا میکند
چیزی نگویم ، که نیمّ مثلِ شان
رحمی ، خداوند به ما میکند
گفته من نیست ، ولی قطره اشک
این قلمِ ماست ، رها میکند
قطره اشکم منگر چشمِ کم
عاقبتش سیل به پا میکند
زانکه بفرموده مولای ما
بنده بسی صبر و تقا میکند
مُهر نماید دهن از حرفِ بد
دوستیِ من ، گر ادا میکند
اُجرت و پاداش دهم زود زود
دستِ طلب ، هر که به ما میکند
فضلِ منت شاملِ حالِ کسی
خدمتی در راهِ بها میکند
ور کسی آزرده کند خاطری
عدلِ مرا بین که چها میکند
گر به احبّان نظرِ بد کند
قهر نگر ، شعله به پا میکند
چوبِ خداوند ندارد صدا
گر بزند ، عرش صدا میکند
غم مخور ای « نعمتِ » غمدیده ام
کمکِ تو عبدِ بها میکند
خاک شو و گردِ سرِ راه شو
لحظه ای گر عمر ، بقا میکند
(صحبتِ ابرار ، غنیمت بدان)
هم غم و ، هم وهم رخا میکند
(دست ببرداری و ببرداری دل)

گر به تو اشرار صلا میکند
خانمِ تو است ، بسی مهربان
عهدی که بستست وفا میکند
از پدر و مادر و از خویش و قوم
حُرمتِ تو ، جا بجا میکند
شکر و سپاسی بنما جانِ من
ورنه خداوند جزا میکند
حال شنو گفته « نعمت » زدل
آنچه نهان است نما میکند
خانمِ من است ، همه چیزِ من
چون تپشِ قلب ، صدا میکند
روزِ دوصد بار شوم ، صدقه اش
جانِ مرا ، گر بفا میکند
عهد کنم ، پاننهم در بهشت
تا که اجازت و رضا میکند
لطف اگر کرد ، که دوزخ برو
آتشِ دوزخ ، مزه ها میکند
دوش گرفت ، گوشِ مرا ، گفت ! مَرَد ،
همسرکت ، از تو رجا میکند
سرمهٔ آزموده میازمای ، حیف
چشمِ قشنگِ تو عما میکند